

## بسمه تعالی

گزارش نشست نظم بین المللی و بحران اوکراین: ابعاد و پیامدهای اقتصادی

ششمین پیش نشست همایش بین المللی "نظم جدید بین الملل، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران" با عنوان نظم بین المللی و بحران اوکراین: ابعاد و پیامدهای اقتصادی با سخنرانی اساتید و صاحب نظران اقتصاد سیاسی بین المللی و حضور جمعی از تحلیلگران و علاقه مندان روابط بین الملل ۱۱ آبان ماه ۱۴۰۱ برگزار شد. در این نشست بعد از اعلام خیرمقدم آقای دکتر محمدعلی فتح الهی (ریاست محترم پژوهشکده مطالعات سیاسی، روابط بین الملل و حقوق) و بیان مقدمه‌ای از سوی آقای دکتر علی اکبر اسدی (مدیر نشست و سرپرست گروه مطالعات منطقه‌ای)، آقای دکتر مسعود موسوی شفیعی (دانشیار روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس) و دکتر عبدالله قنبرلو (دانشیار روابط بین الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به ایراد سخنرانی پرداختند.

### نقش روسیه و اوکراین در اقتصاد جهانی

دکتر مسعود موسوی شفیعی به عنوان سخنران نخست نشست ضمن اشاره به دو روایت کلان در مورد ریشه‌های جنگ اوکراین به تبیین ابعاد و پیامدهای اقتصادی این جنگ پرداختند. در ابتدا این استاد اقتصاد سیاسی بین الملل به جایگاه و نقش روسیه و اوکراین در اقتصاد جهانی پرداختند و عنوان نمودند این دو کشور در مجموع حدود ۲ درصد صادرات و ۱/۷ درصد واردات جهانی را به خود اختصاص داده اند. با این حال این دو کشور با داشتن سهمی بالا و تعیین کننده در حوزه‌هایی خاص مانند تولید غلات و انرژی یا تولید محصولات دیگری نظیر زغال سنگ، کود شیمیایی و آلومینیوم تأثیرات مهمی در اقتصاد جهانی دارند. بر این اساس جنگ باعث شده تا در سه موضوع غذا و امنیت غذایی، انرژی و مسایل مالی جهان با چالش‌های جدیدی مواجه شود و حدود ۱/۷ میلیارد نفر در جهان به صورت جدی تحت تأثیر این نوع از چالش‌ها قرار بگیرند. هر چند بحث‌هایی در خصوص تأثیرگذاری سلبی جنگ اوکراین بر وضعیت اقتصادی و انرژی کشورهای اروپایی در جریان است، اما تأثیرات جنگ وسیع بوده و سطح گسترده‌ای از کشورها از جمله خود روسیه را متأثر ساخته و در مجموع برای جهان پیامدهای منفی داشته است. این تأثیرات منفی به خصوص برای کشورهای فقیر و در حال توسعه بیشتر بوده و بر بازارهای در حال ظهور فشارهای مالی قابل توجهی داشته است.

### آسیب‌ها و ضررها و هزینه‌های جنگ

به گفته دکتر موسوی جنگ باعث وارد شدن صدها میلیارد دلار آسیب به زیرساخت‌های اوکراین، آوارگی بیش از ۱۲ میلیون اوکراینی و نیازمندی حدود ۱۳ میلیون نفر به کمک‌های فوری شده است. ضمن اینکه جنگ به انقباض ۴۵ درصدی اقتصاد اوکراین انجامیده و با تداوم جنگ هزینه‌های اقتصادی و انسانی اوکراین در حال افزایش است. در سوی مقابل روسیه نیز با آسیب‌های جدی به لحاظ اقتصادی و فناوری روبرو شده است و با تحریم‌هایی روبرو شده است که اقتصاد این کشور را در تنگناهای جدی قرار داده است. روسیه در طول سالهای گذشته سعی کرده است با تکیه بر درآمدهای نفتی ذخایر ارزی خود را به شدت توسعه دهد تا بتواند بر چالش‌های احتمالی پیش رو غلبه کند، با این حال تحریم‌ها، دسترسی روسیه به ۵۰ درصد

ذخایر ارزی این کشور را محدود کرده است. تعلیق عملیات شرکت‌های بزرگ نفتی در روسیه، محدودیت دسترسی روسها به محصولات با فناوری بالا، کاهش رشد اقتصادی به منفی ده درصد، تورم ۲۵ درصدی و افزایش میزان بیکاری از ۴ درصد به ۸ درصد بخشی از آسیب‌های وارد شده به اقتصاد روسیه از زمان آغاز جنگ با اوکراین بوده است. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس در ادامه سخنان خود تأکید کرد به رغم مشکلات اروپا در حوزه انرژی، این وضعیت باعث ایجاد بازدارندگی در برابر اروپایی‌ها نشد و کشورهای اروپایی به تشدید تحریم‌های خود ادامه دادند.

## اشتباه روسیه

دکتر موسوی شفایی در بخش دیگری از سخنان خود به تبیین وضعیت کنونی نظم بین‌الملل پرداختند و تأکید داشتند نظم بین‌المللی از وضعیت گذار عبور نموده و وارد مرحله جدیدی شده است که ترکیبی از نظم موازنه قوا قرن نوزدهمی به لحاظ سیاسی-امنیتی و یک لایه اقتصادی متفاوت است. لایه سیاسی و نظامی-امنیتی نظم بین‌الملل بر مبنای جایگاه و روابط دولتهای وستفالیایی است و با توجه به سیالیت موازنه قوای کنونی می‌توان شاهد برخی برخوردهای نظامی در مناطقی خاص و به خصوص حوزه‌های گسل ژئوپلیتیک بود. اما لایه اقتصاد جهانی در این نظم با متصل نگه داشتن اقتصادهای جهانی بر پایه زنجیره‌های ارزش افزوده و جریانهای پولی و مالی مانع از بروز جنگهای گسترده بین قدرتهای بزرگ می‌شود. به اعتقاد دکتر موسوی با این وضعیت به نظر می‌رسد چین عاقل‌ترین بازیگر بین‌المللی است که هر دو لایه سیاسی-امنیتی و اقتصادی نظم بین‌المللی را در محاسبات و سیاستهای خود لحاظ می‌کند. در نتیجه‌گیری این استاد دانشگاه تأکید شد که در جنگ اوکراین شاید اشتباه روسیه تمرکز بر لایه سیاسی-امنیتی نظم و توجه به نتایج سیاستهای پیشین خود در مورد گرجستان و کریمه بود. ضمن اینکه به نظر می‌رسد برای اوکراین نیز بهترین سیاست، بی‌طرفی فعال و توجه به ملاحظات سیاسی-امنیتی روسیه بود. در حالی که رهبران اوکراین بر تمرکز بر منافع و شرایط اقتصادی پیوند با غرب و اتحادیه اروپا در لایه اقتصادی نظم بین‌الملل با جنگی ویرانگر روبرو شدند.

## تحریم‌های حداکثری

در بخش دوم این نشست دکتر عبدالله قنبرلو دانشیار روابط بین‌الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به عنوان دیگر سخنران نشست به تبیین ابعاد و تأثیرات اقتصادی جنگ اوکراین پرداختند. دکتر قنبرلو جنگ کنونی بین اوکراین و روسیه را واجد ابعاد بین‌المللی مهمی عنوان کردند و اشاره نمودند که در صورتی که مسأله سلاح‌های هسته‌ای در کار نبود، بحران کنونی می‌توانست به جنگی بسیار گسترده‌تر و با هزینه‌های بیشتر در سطح بین‌المللی منجر شده و فشارها بر شرق و غرب را به شدت افزایش دهد. این صاحب‌نظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل در ادامه افزودند تحریم‌های کنونی غرب علیه روسیه هر چند هنوز به صورت جدی وارد عرصه انرژی نشده، اما در تاریخ بی‌سابقه است و هزینه‌ها و فشارهای جدی را برای مسکو ایجاد کرده است. هر چند ممکن است این تحریم‌ها در کوتاه مدت اثر کمتری داشته باشند، اما در بلندمدت فشارهای ایجاد شده برای روسیه بسیار جدی‌تر خواهد بود. به گفته دکتر قنبرلو در این راستا می‌توان رهیافت نظری پل کندی را مورد اشاره قرار داد که روند افول قدرت‌های بزرگ با مداخله آنها در خارج و ایجاد فشارهای اقتصادی مسأله‌ای قابل تأمل است.

دکتر قنبرلو در بخشی دیگر از سخنان خود عنوان نمودند جنگ کنونی در اوکراین به لحاظ اقتصادی برای تمامی جهان بازی باخت- باخت محسوب می‌شود و به جز کشورهای معدودی مانند عربستان سعودی که شامل تولیدکنندگان اصلی انرژی یا مواد غذایی هستند، اکثر کشورها از این جنگ دچار زیانهای اقتصادی شده اند. ضمن اینکه چین نیز به عنوان بزرگترین برنده این بحران محسوب می‌شود. چرا که چینی‌ها به رغم تلاش برای حمایت نسبی از روسیه در مقابل تحریم‌های غرب رویکرد هوشمندانه و محتاطانه‌ای را در پیش گرفته و بر اساس محاسبات و منافع اقتصادی و سیاسی بلندمدت عمل می‌کنند.

به اعتقاد دکتر قنبرلو بحران اوکراین اثرات مختلفی در عرصه بین‌المللی داشته است که از مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تعمیق شکاف شرق و غرب و مرکزیت بیشتر چین و آمریکا در عرصه بین‌المللی که از جمله در وابستگی بیشتر کشورهای اروپایی به آمریکا و همچنین وابستگی بیشتر روسیه به چین نمود یافته است؛ کاهش همکاری‌ها در عرصه بین‌المللی که به خصوص به تضعیف گروه بیست منجر شده است؛ آسیب دیدن هژمونی آمریکا با استفاده بیش از حد از تحریم‌ها در عرصه بین‌المللی؛ تبدیل شدن روسیه به بزرگترین بازنده اقتصادی جنگ با تنزل ۱۵ درصدی رشد اقتصادی؛ کاهش ۵۰ درصدی رشد اقتصادی اوکراین و مشکلات اقتصادی و مالی جدی اوکراین برای ادامه جنگ با توجه به نیاز به بودجه ۵ میلیاردی در هر ماه و نیاز به ۳۵۰ میلیارد بودجه برای بازسازی تا مقطع زمانی کنونی؛ و آسیب دیدن اقتصاد اروپا با توجه به وابستگی به روسیه در عرصه انرژی.